



سنت وقف از مصادیق بارز احسان و خیرخواهی است که انسان در نتیجه تعلیم انبیای الهی آن را از گذشته های بسیار دور تاریخ به وجود آورده و در صحنه حیات انسانی به صورت پدیده ای اجتماعی برای همه نسل ها به ودیعت نهاده است . وقف از حسنات موکد دینی و در زمره اعمال صالح باقیه است و از نظر اخلاقی ، بارزترین تجلی روحیه تعاون اجتماعی است . وقف تأسیسی اجتماعی است که از وارستگی و آزادگی و علو طبع واقف خود حکایت می کند و به عمل خیر واقف ، مهر ابدیت و جاودانگی می زند . وقف عملی است باقی و صالح ، و انفاقی است عاری از منت ، و احسانی است خالی از اذیت و به دور از تحقیر دیگران ، و صدقه ای است دائمی ، مستمر بدون ریا و وامی است بدون اضطراب از بازپرداخت آن و تعدیل ثروتی است با رضا و رغبت ، بدون اکراه و اجبار و در طلب رضایت خداوند متعال . وقف از کنز اموال و تکاثر و بروز اختلاف فاحش طبقاتی به نحو موثر جلوگیری می کند . خدمات وقف در جهان اسلام به ویژه در توسعه علم و دانش و ایجاد و احیای مراکز علمی و آموزشی به قدری واضح و روشن است که بسیاری از مورخان و محققان به نقش موقوفات در توسعه علم و دانش اشاره نموده اند . به عنوان نمونه ، نظر دانشمند و مورخ معروف ابن خلدون ذکر می شود : « نمی دانم خداوند چه عنایتی به شرق داشته ، ولی گمان می کنم رواج بازار دانش و پیوستگی رشد تعلیم در تمام زمینه های دانش و دیگر صنایع ضروری در سرزمین شرق ، به سبب فراوانی عمران و آبادانی و ترقی حضارت (تمدن و شهرنشینی) و کمک کردن به طالبان دانش از راه وظائف و مقرری هایی است که از اوقاف برای آنان معین می شود و در نتیجه با توسعه یافتن اوقاف ، موجبات رفاه طالبان علم فراهم می آید . » [مقدمه ابن خلدون 732 - 808 هـ . ق] وقف به عنوان یک منبع مستمر مالی مراکز علمی بوده است و همواره پشتیبانی ، مردمی داشته و اوامر و حکام زمان نقش زیادی در ایجاد آنها نداشته اند و اگر تاریخ موقوفات و صدقات جاریه تا کنون به صورت دقیق بررسی گردد ، معلوم خواهد شد که وقف چه تأثیرات فرهنگی و بهداشتی و تأمین در جامعه اسلامی داشته است و چه عالمان و دانشمندان بزرگی از رهگذر استفاده از منابع موقوفه به مقام های بلند علمی نایل آمده اند و همین دانشمندان چه خدماتی در پیشرفت فرهنگ و تمدن بشری انجام داده اند . اصولاً موقوفات با عنایت به استمرار درآمد و بهره آنها ، از بهترین و بیشترین منابع مالی برای تعلیم و تعلم در جامعه اسلامی بوده است و استمرار و پایداری تعلیم در اسلام طی قرون طولانی و همچنین نظم و ترتیب فعالیت های علمی در مراکز آموزشی به این منبع مالی بستگی تام و تمام داشته است . از رهگذر موقوفات ثمرات فرهنگی و بهداشتی و حتی معیشتی بسیار زیادی در جوامع اسلامی نصیب جامعه گردیده است . مسلماً یکی از عوامل مهم رشد و شکوفایی تمدن اسلامی و نظام یافتن امر پژوهش و طلب دانش و حمایت از دانشمندان مراکز علمی : درالعلم ، دارالخزانه و بیت الحکمه بوده است که به وسیله موسسات بزرگ موقوفه ای که توسط واقفان خیراندیش به وجود آمده اند ، ایجاد شده تا نیاز پژوهشگران مسلمان را برآورده ساخته که بتوانند فارغ از اندیشه تأمین معاش به تحقیق و پژوهش و نگارش و ترجمه کتاب های قرون و اعصار پیش از خود پرداخته ، با سفر به دورترین نقاط عالم در طلب علم به دیدار علما و فرزنانگان دیگر اقطار عالم نیز نایل آیند . مدارس ، کتابخانه ها ، دارالشفاه و حتی رصدخانه های بسیاری را در دنیای اسلام می توان برشمرد که کلیه هزینه های ساختمان و اداره آنها از منابع موقوفه تأمین شود و در حقیقت وقف پشتوانه پایان ناپذیری بوده است که در هر شرایطی توانسته بدون نیاز به کمک حکام و دولت ها این گونه مراکز علمی را پابرجا نگاه داشته و امر تعلیم و تعلم را آسان نماید . البته خدمات وقف و آثار و برکات آن ، فقط در حوزه علم و دانش خلاصه نمی شود . نقش وقف در توسعه عدالت اجتماعی و نشر و ترویج شعائر اسلامی و حتی گسترش مدنیت غیر قابل انکار است . به شهادت تاریخ ، آنچه شالوده بسیاری از تمدن های بشری و به ویژه تمدن های فرهنگی گردیده ، مجموعه اقدامات ، اصولی است که از نظر معانی و مفاهیم ، تداعی کننده وقف می باشد : ایثار ، گذشت ، انفاق و همدلی همه از اصولی هستند که در برهه ای از تاریخ ، موجبات پیروزی برخی از حکومت ها و دولت ها را در مقابل برخی از امپراطوری ها و حکومت های دیگر فراهم نموده اند ؛ همانند شکست حکومت ایران و روم در مقابل دولت و حکومت نوپای اسلام که با بهره گیری از این اصول و مفاهیم توانست در مدت کوتاهی بر دنیای زور و زر آن زمان پیروز شود . « نقل می کنند روزی که سپاه اسلام به دروازه های مکه نزدیک شد ، عده ای نزد ابوسفیان آمدند و گزارش دادند : تمام درب ها و دروازه ها را به روی محمد (ص) و سپاهش بسته ایم . ابوسفیان پاسخ داد : محمد (ص) از درها وارد نمی شود ، بلکه از دل ها وارد می شود . « این اصول و ارزش ها ، از قرن دوم هجری موجب یک تازی و طلایه داری مسلمین در علوم و فرهنگ جهانی شده ؛ به این جهت بر همه عالمان دینی ، هنرمندان ، نویسندگان ، محققان و پژوهشگران است که با تعهد و دلسوزی آگاهانه در ترویج و گسترش این مفاهیم و ارزش ها تلاش و کوشش نموده ، و مکتب اسلام و قوانین حیات بخش آن را از که از چهارده قرن گذشته با ارائه الگوها و ارزش های مبتنی بر فلسفه حیات بخش خود توانست به برتری خود تحقق بخشد به نسل جدید معرفی نمایند ؛ اسلامی که نه از طریق زور و حکومت داری و استبداد ، بلکه با ایجاد بهترین و پویاترین سیستم عدالت اجتماعی به وسیله خود مسلمانان و عدم تکیه بر بیت المال و خزانه دولت ، توانست بزرگ ترین مراکز علمی ، آموزشی ، بهداشتی ، درمانی و اجتماعی را از طریق وقف و انفاق ایجاد نموده و سایه سیاه و شوم برتری و استیلائی حکومت های غیر اسلامی را بر مسلمانان در ده ها

قرن کنار زده و مسلمین را آقا و سرور ساکنان ارض نماید . امروزه با توجه به رشد جمعیت ، کمیابی منابع و گسترش رقابت در کلیه عرصه های اجتماعی و بازارهای جهانی ، استفاده بهینه و کارآمد از منابع موجود وقفی و همچنین ایجاد منابع جدید با ظهور موقوفات جدید از اهمیت به سزایی برخوردار است و این امکان پذیر نیست ، مگر وقف را شناخت و به دیگران نیز معرفی نمود . بدیهی است اقدامات و تلاش های سازنده سازمان اوقاف و امور خیریه در این مهم ، موثر واقع گردیده است ؛ هر چند هنوز بخش عظیمی از کار باقی مانده و باید جامعه بیش از پیش به این نکته واقف گردد که این سنت شریف ، یعنی وقف و ایقاف که از یادگارهای ماندگار و ارزشمند پیامبر عظیم الشان اسلام است ، توانسته ضمن رفع بسیاری از نیازهای جامعه ، امکانات لازم را جهت بروز خلاقیت ها و تربیت نوابغ فراهم نماید و وسیله ای است که انسان پس از مرگ نیز می تواند در امور خیر و عام المنفعه شریک و سهیم باشد . جامعه باید بداند وقف اهرم های متعددی دارد که می تواند موجبات رفاه و آسایش و اعتلای آن را به ارمغان آورد ؛ زیرا وقف مشارکت آور است و مشارکت در امور اجتماعی به معنی قبول تعهد و مسئولیت است ؛ لذا مردم هر جامعه ناگزیر از پذیرش آن هستند ؛ این تعهد و مسئولیت می تواند در شکل کار و فعالیت معین و نامحدودی ظهور نماید که با جنبه اخلاقی و اجتماعی دارد و یا فرم اقتصادی و حقوقی به خود گرفته باشد . آیا گسترش مشارکت های اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی که ضامن توسعه هر جامعه است ، جز در سایه وقف و انفاق صورت می پذیرد ؟ آیا وقف ، مانع از انباشت پول و سرمایه در جوامع نمی گردد و ضمن ایجاد خیر و صلاح آن جامعه موجبات استفاده معنوی و اوقاف حتی پس از مرگ آنان نمی شود ؟ و آیا ... ؟ آری ، اقدامات بی شماری لازم است تا جامعه و متمکنان به این وادی سوق پیدا نمایند و این امکان پذیر نیست ، مگر با آگاه نمودن آنان و این نیز محقق نمی شود ؛ مگر رسانه های جمعی به وظیفه خود در این رابطه عمل نمایند . یک اصل مهم در این زمینه آن است که زمامداران جامعه و به تبع آن حاکمان رسانه ای به درک و تشخیص مخاطبان خود عقیده داشته و احترام بگذارند . اصطلاحات : موقوفه : به مالی که وقف می شود گویند . واقف : به کسی که مال و دارایی خود را وقف می کند گویند . موقوف علیه : به شخص یا مصرفی که مال برای آن وقف شده گفته می شود . انواع وقف : وقف عام : حبس دارائی بر امور عام المنفعه . مانند : مساجد ، مدرسه ، بیمارستان و ... وقف خاص : حبس مال و دارائی بر افراد خاص . مانند : وقف بر اولاد و احفاد . انواع وقف به اعتبار نوع موقوفه : الف : وقف اموال غیر منقول مانند خانه ، زمین و باغ . ب : وقف اموال منقول قابل دوام مانند ظروف طلائی که امکان استفاده از آن به صورت زینت وجود دارد . وقف به اعتبار نیت واقف به دو بخش تقسیم می شود : الف - وقف انتفاع : اگر قصد واقف از وقف ، تحصیل درآمد مادی نباشد . مانند : احداث مسجدی در زمین ملکی خود و یا زمین موات و امثال اینها . ب - وقف منفعت : اگر قصد واقف از وقف ، تحصیل درآمد باشد تا در مصرف معلومی هزینه شود . مانند : وقف چند مغازه برای حفظ و اداره مسجد یا مدرسه یا هزینه در دارالایتام . وقف از نظر مدیریت : موقوفاتی که دارای متولی هستند ، غیر متصرفی نامیده می شوند . موقوفاتی که سازمان اوقاف تولیت آنها را عهده دار است ، متصرفی نامیده می شوند . صیغه وقف : لفظی است که اراده انشائی واقف ، دایر بر وقف مال خود در قالب آن ابراز و اعلام می شود . اعم از بیان صریح لفظ مانند این که بگوید : « وقف کردم این مال را برای فلان جهت » یا مفهوم وقف بطور ضمنی بیان گردد ، مثل اینکه بگوید : « حبس دائم مال خود را برای فلان جهت ».